

بررسی جامعه شناختی جایگاه متفاوت اسلامگراها در وقوع انقلاب‌های معاصر (مطالعه موردی؛ جنبش انقلابی ۲۰۱۱ تونس و انقلاب اسلامی ایران)

سمیرا محمدی (نویسنده مسئول)^۱

علی مرشدی زاد^۲

چکیده

حضور عنصر دین در وقوع انقلاب‌ها همواره تعیین کننده نوع جهان بینی ملتها به ارزشها و هنجارهای اجتماعی است. نوع جهان بینی در وقوع انقلاب اسلامی ایران نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی بوده است که در اثر اشاعه نفوذ معنوی انقلاب ایران در تحولات رخ داده در سال ۲۰۱۱ در کشورهای عربی منجر به پیدایش فعالانی نظیر گروه‌های النهضه در تونس به رهبری راشد الغنوشی شد. هدف ما در این پژوهش بررسی نقش اسلامگرایان به عنوان کنشگران مذهبی، در مقایسه با سایر نیروهای غیراسلامی می‌باشد. لذا برای بررسی نقش اسلامگرایان در وقوع انقلاب ایران و تونس، جایگاه آن در قالب یک دستگانه مفهومی متشکل از ایدئولوژی بسیج، رهبری و سازماندهی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. این جستار در زمره پژوهش‌های کیفی و با روش تطبیقی-تاریخی انجام گرفته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش به این نتیجه رسیده‌ایم که در انقلاب اسلامی ایران اسلامگراها با اتخاذ مشی ایدئولوژیک اسلامی توانستند رهبری و سازماندهی بسیج را برعهده بگیرند و با زیر بیرق آوردن سایر معترضین انقلابی به اریکه قدرت صعود کنند. اما جنبش انقلابی تونس با رویه‌ای نسبتاً دموکراتیک و مطالبات اقتصادی همراه بوده است که اسلامگراها بدون رهبری واحد و در کنار سایر جریان‌های فعال در عرصه انقلابی کشور حضور نسبتاً تأثیرگذار اما کم‌رنگتری نسبت به اسلامگرایان انقلاب ایران داشتند؛ از علل این موضوع می‌توان به تحت‌الحمایگی این کشور توسط دولت‌های اروپایی، اتخاذ سیاست‌های سکولاریستی و سرکوب اسلامگراها در چهارچوب اصول اقتدارگرایی دولت‌های این کشور، تحولات ناشی از دنیای مدرن و جهانی شدن، گسترش فرهنگ آزادی خواهی و مشارکت سیاسی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: انقلاب، اسلامگراها، ایران، تونس

۱. کارشناسی ارشد پژوهشگاه امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. samiramohammadi88@yahoo.com
ORCID:0000-0002-7752-0798

alimorshedizad@yahoo.com
ORCID:0000-0002-1915-235X

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

مقدمه

انقلاب به عنوان یک پدیده اجتماعی و سیاسی، معمولاً به ندرت رخ می‌دهد با این حال آنچه وقوع انقلاب را گریزناپذیر می‌سازد، عوامل متعددی است که در اثر تحولات و شرایط خاص در کنار هم قرار گرفته و با یکدیگر ترکیب می‌شوند و شرایط لازم و کافی برای وقوع انقلاب را پدید می‌آورند. این پدیده اجتماعی از عوامل متعدد فرهنگی، اقتصادی، روانشناختی، جامعه‌شناختی و سیاسی تأثیر می‌پذیرد که بسته به نوع جوامع عوامل تأثیرگذار متفاوت خواهند بود. مذهب به عنوان یکی از این عوامل در وقوع انقلاب‌ها مورد توجه نظریه‌پردازان انقلاب قرار گرفته است، به گونه‌ای که ادبیات سیاسی مربوط به نظریه‌پردازی انقلاب‌ها را گسترش داده است. در طول نیم قرن گذشته و در سایه کم‌رنگ شدن ایده «سکولار سازی» و افزایش حضور دین در عرصه سیاسی در مناطقی مانند؛ خاورمیانه، نقش و جایگاه دین در حوزه سیاسی - اجتماعی مورد توجه محققان و دانشمندان بوده است. با توجه به اینکه ادیان قابلیت تبدیل شدن به دین را داشته‌اند، بنابراین در عرصه زندگی اجتماعی همواره دو نقش مغایر را توأسته‌اند ایفا نمایند؛ اولی نقش تثبیت‌کننده اوضاع که با شکل دهی به نظام ارزشی و هنجاری جامعه به ثبات و انسجام اجتماعی کمک کرده و با توجیه و اقتناع افراد بر مقبولیت و مشروعیت نظام حاکم می‌افزاید. در نقش دیگر با طرح ایده‌های آرمانی و نشان دادن فاصله میان وضع موجود نامطلوب به تغییرات اجتماعی، مضمونی انقلابی می‌بخشد. ایدئولوژی برای به دست آوردن این پذیرش به نکوهش وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب بی‌بدیل می‌پردازد (شجاعی زند، ۱۳۹۴؛ ۱۳۰). خلاصه آنکه دین همواره و در همه حال نقش حفظ‌کننده را ایفا نمی‌کند؛ بلکه در زمانه‌ی تغییرات بنیادین، دین غالباً نقشی خلاق، نوآور و حتی انقلابی دارد (جلانی مقدم، ۱۳۷۹؛ ۴۳).

جهان اسلام از اواسط قرن بیستم به بعد، شاهد مطالبات اسلامگرایی در قالب جنبش‌های دومینواری بوده که تمام کشورهای اسلامی - عربی را درنوردیده است. تحقق این امر از دسامبر ۲۰۱۰ میلادی در پی اعتراضات مردمی در شهر "سیدی بوزید تونس" آغاز گردید که منجر به فروپاشی شگرف دورژیم اقتدارگرای بن علی و مبارک در تونس و مصر در مدت زمان دو ماه گردید و نقطه آغازینی برای جنبش‌های اجتماعی - سیاسی و مبارزات دموکراسی خواهی مبتنی بر گرایش‌ات اسلامی در آفریقا و خاورمیانه، بویژه در کشورهای عربی شد (خرمشاد و کیانی، ۱۳۹۱؛ ۳۷). البته در خصوص تحولات ۲۰۱۱ عربی می‌توان از آن با عنوان جنبش‌های انقلابی یاد کرد

که هر چند دارای رهبری، سازماندهی، ایدئولوژی و مشارکت مردمی است اما در انقلاب‌های عربی گروه‌های انقلابی، خواهان تغییرات سیاسی و تحول نخبگان طبقه حاکم بوده که حتی به پیروزی نهایی هم نرسیده است. نوع مبارزه آنها نیز تا حدی با اصول اعتدالی و غیرخشونت‌آمیز بوده است (عبداللطیف، ۲۰۱۱: ۱۱۸). نفوذ معنوی انقلاب اسلامی در تونس بر فعالان مسلمانی، همچون «راشدالغنوشی» باعث شد که آنها با الگو برداری از تجربه ایران و ایجاد جسارت در بین خواسته‌های خود، جنبش اسلامی جدیدی با عنوان «حرکه الاتجاه الاسلامیه» را در تونس تشکیل دهد که بعدها به «جنبش نهضت» تغییر نام داد (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۱۷۸-۱۷۱). اسلام‌خواهی و مطرح شدن اسلام در قالب عامل بازدارنده در برابر منافع استعماری قدرتهای بزرگ، استکبارستیزی در تونس و نیز تقویت و الگو برداری گروه‌ها و جنبشهای اسلامی از انقلاب اسلامی ایران را می‌توان از حوزه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران برشمرد.

زمانی که در این پژوهش صحبت از نقش اسلامگرایان در انقلاب می‌کنیم، منظورمان نیروهای اجتماعی هستند که با تکیه به باورها و ارزش‌های دینی به کنش اجتماعی و سیاسی می‌پردازند. لذا در این جستار در تحلیل و تبیین کنش اسلامگرایان باید به بررسی اثر دین و دینداری در موضوع مورد نظر پرداخت. لذا پژوهش حاضر درصدد است که جایگاه متفاوت اسلامگرایان را در مقایسه با جریان‌های غیراسلامی و سکولار، در روند شکل‌گیری جنبش انقلابی ۲۰۱۱ تونس و انقلاب اسلامی ایران با روش مقایسه‌ای بررسی نماید. از اهداف این پژوهش این می‌باشد که اطلاعات وسیعی در مورد میزان مدخلیت جریان‌های اسلامگرا در وقوع انقلاب‌های معاصر را برای محققین فراهم کند که پاسخی به تناقض مطرح شده در باب میزان نفوذ اسلامگرایان و نفوذ معنوی انقلاب ایران در خیزش‌های عربی می‌باشد که به صورت دو گفتمان متفاوت «بیداری اسلامی» و «بهار عربی» مطرح شده است.

ادبیات نظری

در مراحل شکل‌گیری یک انقلاب، عوامل متعدد و شرایط پیچیده‌ای دخالت دارند و عوامل فراوانی باید گرد هم آید تا جامعه‌ای در آستانه «وضعیت انقلابی» قرار گیرد. تئوری‌های تبیین‌کننده چرایی انقلاب‌ها هر کدام از منظر و جنبه‌ای خاص به بررسی این انقلاب‌ها و عوامل شکل‌گیری آنها می‌پردازند. با وجود این، همه نظریه‌پردازان انقلاب بر این باورند که مهم‌ترین

مرحله هر انقلابی مرحله شکل‌گیری «بسیج انقلابی» می‌باشد (شجاعی زند، ۱۳۸۳: ۲۹). در همین راستا، یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند بسیج انقلابی را شکل دهد یا بر آن تاثیر گذارد، دین می‌باشد. (بشیریه، ۱۳۷۲: ۸۱). دین، مقوله‌ای اجتماعی و جهان‌شمول می‌باشد که به صورت‌های مختلف در طول تاریخ بشریت همواره حضور داشته است و نمی‌توان نقش آن را در فرایند تکامل و تجربیات بشری دست کم گرفت. در جامعه‌شناسی سیاسی، به دین به عنوان پدیده‌ای اجتماعی که دارای نقش، نفوذ و اقتدار است نگریسته شده و همواره تعامل و کنش آن با قدرت سیاسی ارزیابی شده است (دان، ۱۳۸۴: ۱۱). ارزیابی نسبت دین و انقلاب یکی از مباحث جذاب و چالش برانگیز در علوم اجتماعی می‌باشد. بر حسب ماهیت تحقیق و با در نظر گرفتن مطالب گفته شده در مقدمه، به منظور پاسخگویی به پرسش‌های مطرح‌شده در ابتدای تحقیق در رابطه با جایگاه اسلام‌گراها در انقلاب‌های معاصر، به مفهوم‌سازی نقش دین در انقلاب‌ها پرداخته‌ایم. این منابع شامل: ایدئولوژی، رهبری و سازماندهی می‌باشند. در این تحقیق تأکید ما بر فرایند انقلاب است که شامل همین سه منبع می‌باشد. این منابع عبارتند از:

۱- ایدئولوژی انقلابی: ایدئولوژی‌ها مجموعه عقاید و ایده‌هایی است که با یکدیگر پیوستگی دارند و تصویر به نسبت کاملی را از جهان ترسیم می‌کنند (بال و ریچارد، ۱۳۹۰: ۱۷). ژان بشلر در کتاب خود برای ایدئولوژی پنج کارکرد را مطرح می‌کند که عبارتند از: صف آرایی یا جبهه‌گیری، توجیه، پرده‌پوشی، موضع‌گیری و بالاخره ادراک مطابق نظر وی (بشلر، ۱۳۷۰: ۶۶-۶۲). البته کارکرد اصلی ایدئولوژی به ویژه نوع انقلابی آن سرعت بخشیدن به گسترش ائتلاف‌های متقاطع میان اقلیت‌های عمل‌گرای طبقات عمده جامعه است (گرین، ۱۳۸۷: ۱۴۵). نخستین وظیفه ایدئولوژی نکوهش وضع موجود و یافتن ریشه‌های نابسامانی و ناروایی متصور است. دومین وظیفه‌اش، ترسیم وضع مطلوب و تعیین اهداف غایی جنبش و وسایل دستیابی به آنهاست. سومین وظیفه ایدئولوژی بسیج، عرضه تبیین تازه‌ای از تاریخ به سود جنبش و ستایش از آن است (راش، ۱۳۹۰: ۲۰۷-۲۰۳).

۲- رهبری انقلابی: رهبری یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هر انقلابی می‌باشد. رهبران کسانی هستند که در مراحل مختلف انقلاب نقش تشویق‌کننده، آگاهی‌دهنده، سازماندهی، بسیج، تأمین منابع، جهت‌دادن و ایجاد وحدت بین مردم را ایفا می‌کنند (پناهی، ۱۳۹۱: ۷۵). رهبر انقلابی با در نظر گرفتن شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و با توجه به ایدئولوژی جنبش،

شیوه‌هایی را جهت بسیج توده‌ها و به نمایش درآوردن اعتراض آنها به کار می‌گیرند (محمدی، ۱۳۷۸: ۳۳). رهبران علاوه بر کار ویژه سازماندهی و بسیج، آحادی از افراد جامعه را تحت بسیج سیاسی و اجتماعی قرار داده و آنها را جهت مشارکت در فرآیند و رویدادهای انقلاب به کنشگرانی فعال تبدیل می‌کنند (کینگ، ۱۳۸۵: ۱۴). علاوه بر این، نظر و نگرش بلند پروازانه و مبارزه‌جویانه یک رهبر رسالتمند موعودگرا بر انتظارات و نارضایتی‌ها می‌افزاید، و این خود می‌تواند به شکل‌گیری اوضاعی انقلابی بینجامد (الیاده، ۱۳۷۴: ۵۲۴ و الوانی، ۱۳۹۲: ۲۶).

۳- سازماندهی انقلابی: عرصه قدرت، در طول تاریخ همواره محل منازعه و ستیز میان مدعیان قدرت در قالب گفتمان‌های مختلف بوده است؛ اما اتخاذ کرسی قدرت نیازمند سازماندهی بسیج افراد و گروهها توسط سردمداران قدرت می‌باشد. لذا عناصر مهم برای این امر ارتباطات و تشکیلات است (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۸۹). همچنین، توانایی بسیج هم به منابع مادی (کار، پول، منافع واقعی، خدمات) و هم به منابع غیرمادی گروه (اقتدار، تعهد اخلاقی، ایمان، دوستی) بستگی دارد. این منابع بر اساس ارزیابی عقلانی هزینه‌ها و منافع، در بین اهداف چندگانه توزیع می‌شود (دلپورتا و ماریودیانی، ۱۳۹۰: ۲۲). گروهها و سازمانها نقش مهمی در سازماندهی و جریان‌سازی در طول انقلاب دارند. می‌توان ادعا کرد معمولاً بسیج مردمی منتج به انقلاب، حاصل فعالیت‌های چند ساله گروه‌ها و سازمان‌هاست (کشاورز شکری، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

در این جستار روش مناسب برای گردآوری داده‌ها روش تطبیقی-تاریخی می‌باشد که در زمره داده‌های کیفی قرار دارد.

۱. جنبش انقلابی تونس

جرقه اعتراضات در پی خودسوزی جوانی به نام "محمد بوعزیزی" در شهر «سیدی بوزید» زده شد. وی برای امرار معاش اقدام به دست فروشی کرده بود که با رفتار خشن مأموران پلیس و توهین آنها مواجه می‌شود. این جرقه به شعله‌ور شدن آتش خشم تونسی‌ها علیه حکومت سکولار بن علی و رهایی بغض‌ها و کینه‌ها شد. با قرار گرفتن تونس در مرحله جنبش انقلابی، مجالی جدید برای عرضه‌ی اندیشه‌های سیاسی سرکوب شده در تونس فراهم شد (جهانگیر و ملکی، ۱۳۹۴: ۲۶). با نگاهی گذرا به تحولات تاریخی سیاسی تونس می‌توان به پیوند و

پایبندی مردم تونس به شالوده‌های اسلامی پی برد. از جمله مشهورترین شعارهای معترضین در جنبش انقلابی دسامبر ۲۰۱۰ تونس؛ «ملت خواهان سرنگونی رژیم» و «نان، آزادی، کرامت انسانی» و «آزادی دینی» را می‌توان اشاره کرد (مرکز الجزیره للدراسات: ۲۰۱۱).

۱-۱. ایدئولوژی جنبش انقلابی تونس:

از زمان حکومت بورقیبه تا سرنگونی زین العابدین بن علی گروه‌های سیاسی منشعب در فضای سیاسی تونس سه دسته بودند؛ یکی از قدیمی‌ترین این گروه‌ها، نیروهای چپ و کمونیست بودند که بعد از یازدهمین کنفرانس ژوئیه ۱۹۸۱ به حزب "جنبش نوگرا" تغییر نام داد. گفتنی است این حزب نقش نسبتاً مهمی در سازماندهی جنبش‌های ملی علیه استعمار داشته است (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۴۳). دو عامل اصلی که به انزوای هر چه بیشتر ساختارهای حزب کمونیسم انجامید عبارتند از: نخست، رقابت اسلامگرایان در دهه ۸۰، به دنبال یک مجموعه محاکمه رهبران و مبارزانشان که به نوبه خود طرح‌های فکری موثرتری داشتند. دوم، مشکلاتی بود که بر سر راه فعالیت‌های آنها قرار داشت. این مشکلات نتیجه محدودیت‌هایی بود که طرفداران حزب حاکم بر ایشان ایجاد کرده بودند و همچنین مردم نیز دیدگاه‌های آنها را که مخالف عقل جمعی دین بود، قبول نداشتند (تقی پور و روستایی، ۱۳۸۹: ۲۶۲). از سویی دیگر، بن علی نیز با باز گذاشتن دست و بال اسلامگراها و کمک به احزاب سوسیالیسم ترقی‌خواه به مقابله با این حزب پرداخت (عظیمی، ۱۳۹۶: ۹۸). این جریان در جنبش انقلابی تونس تأثیرگذار عمل کرد. از اینرو در ۲۹ دسامبر، به دنبال سخنان اعتراض‌آمیز سخنگوی حزب کمونیست کارگران تونس، تعداد کثیری از رهبران این حزب با صدور اعلامیه‌ای خواستار سرنگونی رژیم بن علی شدند؛ که در نهایت ۱۲ تن از این رهبران به وسیله مأموران حکومتی بازداشت و روانه زندان شدند (الحناشی، ۲۰۱۱: ۲۰۷). دسته دوم از جریان‌های سیاسی، نیروهای ملی‌گرا و سکولار بودند که خود در سه شاخه؛ جنبش دموکرات‌های سوسیالیست، حزب وحدت مردمی و حزب اجتماعی آزادی‌خواه یا ترقی‌خواه تقسیم‌بندی می‌شوند. این نیروها در جریان جنبش انقلابی تونس عمدتاً نظاره‌گر بودند ولی برخی جریان وابسته به آنها نظیر انجمن زنان دموکراتیک تونس، نقش مهمی در دفاع از حقوق زنان و نیز تحولات انقلابی تونس داشتند (عظیمی، ۱۳۹۶: ۱۰۴). سومین و نیرومندترین دسته سیاسی در عرصه فعالیت‌های سیاسی تونس، اسلامگراها می‌باشند

که در افکار، ایده‌ها و روش‌ها با هم اختلاف نظر داشتند و ظاهراً این نیروها از لحاظ کمی و کیفی در انجام وظیفه با هم وجوه افتراقی داشتند (الاستشارات والبحوث، ۱۳۸۸: ۲۴۱). جریان اسلامگرای سیاسی در تونس شامل دو جنبش سازمان یافته مذهبی و اسلامی می‌باشد؛ نخستین نوع از جریانات اسلامگرا بر اهداف دینی در حوزه فردی تأکید دارند آنها جریان‌هایی هستند که فعالیتشان صرفاً در حوزه فرهنگی و مذهبی متمرکز کرده‌اند. این گروه‌های مذهبی سازمان یافته اسلامی نظیر؛ گروه‌های سلفی، شیعیان، اسلامگرایان لیبرال می‌باشند که برنامه سیاسی مشخصی ندارند. دومین جریان اسلامگرا که از سال ۱۹۷۸ با نگرش دینی - سیاسی به صحنه سیاسی پا نهاد و همچنین خواستار تأثیرگذاری بر دولت می‌باشد که مهم‌ترین آنها حزب النهضه است (فوزی، ۱۳۹۴: ۷۶-۷۵). حزب "النهضه" از منسجم‌ترین و قوی‌ترین اپوزیسیون سیاسی - اسلامی است که راشد الغنوشی به رهبری آن برگزیده شد (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۳۶۸). در واقع جنبش النهضه محور اصلی جنبش اسلامگرای تونس به شمار می‌آید و بیش از سایر گروه‌های اسلامی مقبولیت دارد (Newyork Times: 2011). "راشد الغنوشی" مهم‌ترین مبانی جنبش النهضه را چنین تشریح کرده است؛ ۱- رد خشونت‌گرایی، ۲- ارتباط و پیوند این جنبش با تمام مسلمانان جهان، ۳- توجه به مسئله فلسطین منوط به آزادی اعراب از قیود استعمار و استبداد ۴- رد اصول سکولاریسم ۵- بازگشایی مساجد به عنوان سنگر عبادت و اتحاد مردم، ۶- به رسمیت شناختن قومیت عرب (Alexander 2010: 249). در یک نگاه کلی می‌توان گفت که اندیشه سیاسی حاکم بر جنبش النهضه، در واقع همان اندیشه‌های حاکم بر سلفی‌گری اخوان المسلمین و اصولگرایی اسلامی می‌باشد و این اندیشه‌ها نقش برجسته‌ای در تکوین و سازمان‌دهی رهبر النهضه داشته است (فوزی، ۱۳۹۴: ۸۱). همانطور که گفته شد، گفتمان حزب النهضه در تقابل با گفتمان سکولاریته بورقویه شکل گرفت؛ در واقع گفتمان سیاسی بورقویه در تونس، پروژه ایجاد جامعه‌ای جدای از جامعه دینی بود؛ لذا این امر سبب برقراری رابطه‌ای متشنج بین دین و سیاست در تونس شد (معموری، ۱۳۷۸: ۸۷-۸۵). بنابراین، جریان اسلامگرای تونس در موضع شدیدترین سرکوب‌ها و ممنوعیت‌های سیاسی از سوی حکومت تونس قرار گرفته بود؛ گذشته از این‌ها حکومت تونس با اتخاذ رویه سکولاریسم اجباری در ساختارهای فرهنگی، آموزشی و تبلیغاتی و هم‌چنین قوانین این کشور زمینه‌های انزوای هر چه بیشتر این حزب را فراهم کرده بود (Alexander, 2010: 98). در تونس مساجد، مدارس، خیابان‌ها، آموزشگاه‌ها و همه

اماکن عمومی به وسیله دوربین‌های مدار بسته اداره می‌شدند و کار به جایی رسیده بود که اگر شخصی چند دقیقه بعد از نماز در مساجد باقی می‌ماند دستگیر می‌شد و یا اگر ریش صورتش بلند می‌شد به مراکز پلیسی احضار و مورد بازرسی قرار می‌گرفت (بشاره، ۲۰۱۱: ۳۷۶). حتی حجاب در برخی نهادها و مراکز آموزشی کشور توسط وزرات امور زنان دولت بن علی ممنوع شد که این امر نیز سبب ناخرسندی اقلشار مذهبی جامعه تونس شده بود (نیاکویی، ۱۳۹۰: ۳۰).

لذا جنبش اسلامی تونس در ابتدا همانند احزاب غیرقانونی چپ‌گرا نمی‌توانست بدون اقدام در چهارچوب صنفی یا سازمان‌های کارگری عمل نماید. النهضه در جریان بحران، اعلامیه‌ای خاص را منتشر نکرد و اما بعدها با اوج گرفتن اعتراضات مردمی در دسامبر ۲۰۱۰، رهبران نهضت اسلامی به خصوص "راشد الغنوشی" فرصت را غنیمت شمرده و در جریان مبارزه علیه رژیم به صورت مستقیم اقدام به نقش‌آفرینی کرد (واعظی، ۱۳۹۲: ۱۴۳-۱۴۱). از سویی دیگر علی‌رغم سرکوب‌های فراوان، النهضه از حمایت گسترده دانشجویان و اقلشار جوان‌تر جمعیت برخوردار بود (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۳۶۷). حمایت مردم از اسلامگراها و رهبران آنها محدود به انقلاب نبوده است؛ در سال ۱۹۸۸ هنگامی که بن علی رئیس‌جمهور وقت، انتخابات نسبتاً با رویه دموکراتیک برقرار کرد بر اساس شواهد حزب اسلامگراها قریب ۸۰ درصد آراء را اتخاذ کردند، در حالی که دولت وقت این آمارها را ۱۸ درصد اعلام کرد (Blaydes, 2011: 216).

یکی از شبکه‌های اینترنتی دلیل محبوبیت حرکت "النهضه" را در اتخاذ مشی بردبارانه و مسالمت‌آمیز همراه با پرهیز از تندروی این گروه در اجرای اصلاحات سیاسی - اجتماعی می‌داند (ghanoshi). این جنبش با رد نظام سکولاریستی، آن را بخشی از «دیدگاه کلیسایی» خواند و در مقابل خواستار پررنگ کردن بعد اسلامی و پذیرش دین به عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده هویت ملی با توجه به اسلوب و مقتضیات زمان بودند (Ghribi, 2014: 2-4). به بیانی دیگر، جنبش النهضه اسلام را مرجع اصلی حل مشکلات معرفی کرده و مردم‌سالاری را روش مطلوب اداره جامعه قلمداد کرد (العنانی، ۱۳۹۰: ۱۵۰). لذا قرائت الغنوشی و النهضه از اسلام و الگوی سیاسی - اجتماعی مورد نظر آنها در طی فعالیت‌های سیاسی بسیار مورد استقبال مردم قرار گرفت و بعد از انقلاب ۲۰۱۱ نیز نفوذ قابل ملاحظه‌ای در بین مردم یافت (جام جم، ۱۳۹۰).

تلاش مردم تونس برای برپایی مجلس مؤسسان با تکیه بر قوانین اسلامی و با وجود اکثریت نیروهای اسلامی، که سال‌ها از دایره سیاست به دور بودند، را می‌توان دال بر همین ادعا تلقی کرد

(قالیباف، ۱۳۹۱: ۱۳۳-۱۳۲). در فرآیند انقلابی تونس، حزب «النهضة» نقش محوری پیش و پس از انتخاب رئیس‌جمهور (منصف المرزوقی) را ایفا کرد. کما اینکه صعود جریان اسلام‌گراها به اریکه قدرت در مانور انتخاباتی تونس به عنوان کشور پیشرو در روند جنبش‌های انقلابی عربی، نمود کانونی بودن گرایش‌های مذهبی مردم منطقه و تأکید بر حفظ تعلقات و ارزش‌های دینی این کشورها است که خود به عنوان حایل خود و دیگری (غرب) در جوامع عربی می‌باشد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۲۵). بنابراین، روند تحولات در تونس و اندیشه رهبران آن حاکی از نوعی واقع‌نگری و ارائه قرائتی از اسلام می‌باشد که ضمن عدم طرد گروه‌های دیگر، خواهان این بوده است که به بازیگری فعال در عرصه داخلی تونس تبدیل گردد (Anderson, 2011: 98).

رهبر جنبش النهضه نیز با پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی در تونس، بر حقوق مشابه شهروندی از جمله آزادی احزاب و انتخابات تأکید داشت (فارس نیوز، ۱۳۸۹). آصف بیات با توجه به همین مشی دموکراتیک و قبول کثرت‌گرایی سیاسی در تونس از سوی مانیفست، النهضه را نماد پسا اسلام‌گرایی تلقی می‌کند که خواهان یک جامعه با تقوا در چهارچوب یک دولت دموکراتیک است (Bayat, 2011). از نشانه‌های بارز نقش دین در بین توده مردم تونس می‌توان به حضور مردم در خیابان‌ها و مساجد و همچنین از نشانه‌های بارز اسلام نظیر: حضور در راهپیمایی با قرآن، شکل‌گیری گسترده‌ترین تجمعات ضد دیکتاتوری حاکم، فراگیر بودن شعار «الله اکبر» به عنوان یکی از اصلی‌ترین شعارهای مبارزه و روی آوردن به حجاب اسلامی، اشاره کرد. این موارد حاکی از غلبه روح اسلام‌خواهی در شکل‌گیری مبارزات مردم تونس برای دستیابی به آزادی خواهی است (تلاشان و نصر دهریزی، ۱۳۹۳: ۷۵۴). از عمده شعارهای مطرح شده دیگر در جنبش انقلابی تونس «دموکراسی خواهی» می‌باشد که خود بیانگر جزئی از هویت اسلامی انکار شده مردم تونس در طی سالیان متمادی از تاریخ این مرز و بوم بوده است؛ با این اوصاف، اسلام و مؤلفه‌های آن نظیر دموکراسی خواهی را می‌توان همانند کلیتی در نظر گرفت که این انقلاب در بطن آن شکل گرفته است. نارضایتی شکل گرفته از تمامیت خواهی حکومت، ناکارآمدی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و در نهایت وادادگی حکومت در برابر سیاست‌های غرب و رژیم صهیونیستی که در تناقض با روحیات دموکراسی خواهی مردم تونس بوده را به صورت مجموعه‌ای منسجم از ناکارآمدی حکومت به همگان ارائه داد. بنابراین همین نمادهای جنبش اسلامی، آزادی خواهی و دموکراسی خواهی را در متن جنبش انقلابی مطرح کرد (ابراهیمی

کیانی، ۱۳۹۳: ۲۷۵). نتایج نظرسنجی «موسسه پیو» در سال ۲۰۱۲، نشان داد که مردم تونس خواهان پیوند ارزش‌های اسلامی و دموکراسی هستند. بر پایه این نظر سنجی به باور ۸۴ درصد پرسش شونده‌گان تونس، اسلام نقش مهمی در سیاست ایفا می‌کند. ۶۴ درصد پرسش شونده‌گان خواستار تابعیت قوانین تونس از موازین اسلامی بودند (مجیدی و رحیمی نیا، ۱۳۹۴: ۱۲۲). در واقع خواسته همه جریان‌های درگیر در مبارزات انقلابی، نفی رژیم با تأکید بر شریعت اسلامی بود که در کشور تونس به عنوان عاملی وحدت بخش تبدیل شده بود (ابراهیم نیا، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

۲-۱. رهبری در جنبش انقلابی تونس

رهبری در انقلاب‌های مختلف به گونه‌های متفاوتی ظاهر شده است که این امر به دلیل وضع خاص سیاسی-فکری هر کشور بوده است (ملکوتیان، ۱۳۹۱: ۷۱). تجلی رهبری در انقلاب‌های عربی از جمله تونس، شاهد نقصان وجود رهبری هستیم. عدم وجود رهبری در انقلاب تونس ناشی از دو عامل می‌تواند باشد؛ نخست اینکه، مسئله «عدالت و امامت رهبری»، در اندیشه اهل تسنن جایگاه خاصی ندارد، لذا می‌تواند دلیلی بر عدم وجود رهبری واحد در انقلاب‌های عربی من جمله تونس باشد (ملکوتیان، ۱۳۹۱: ۱۸). همچنین از سویی دیگر به علت وجود رژیم بن علی و سیاست‌های قلع و قمع شدید مخالفانش، می‌توان گفت که انقلاب تونس رهبری واحدی نداشت (مرشدی زاد، ۱۳۹۰). اما با این حال نمی‌توان گفت این انقلاب بدون رهبری است. انقلاب تونس فراگیرتر و عام‌تر از آنست که به یک جریان سیاسی وابسته باشد و سایر نیروها و جریان‌ها را شامل نشود (Fisher: 2011). این حضور در قالب جریان کلی انقلاب بود (Lynch: 2011). یکی از بازیگران صحنه انقلابی در بحران تونس، اتحادیه عمومی کارگران تونس بود که با توجه به ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی بحران توانست نقش ویژه‌ای ایفا نماید. البته این اتحادیه موضع یکپارچه‌ای نداشت و مواضع آن در طول بحران و به تناسب گسترش بحران دچار تغییراتی شد (Dadush, et al: 2011: 312-316). ایضا، جوانان تونسی نیز با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی نوینی که در عرصه سیاسی منطقه استفاده از آن‌ها بی سابقه بود، الگویی به دست دادند که تقریباً به همان شکل در سایر کشورهای عربی تکرار شد. این جوانان از مهم‌ترین گروه‌ها و بازیگرانی بودند که در خیزش مردمی تونس نقش کلیدی ایفا نمودند (Norris, 2013: 4). احزاب و گروه‌های سیاسی از دیگر بازیگران مهم و تأثیرگذار

بحران تونس بودند که در ابتدای بحران نقش کمرنگ‌تری ایفا می‌کردند؛ در ابتدا تنها سازمان «حرّیا و انصاف» که به «النهضة» نزدیک است در آغاز اعتراضات نقشی داشت اما همین که بحران گسترده‌تر شد و انقلاب به پیروزی رسید نقش این احزاب به‌خصوص حزب اسلامی النهضة روزبه‌روز پررنگ‌تر شد (دیدار به نقل از واعظی، ۱۳۹۰: ۴۲). در این میان برخی رهبران جریان اسلامگرای تونس نظیر؛ علی عربی، عجمی ورنی، الهمامی و راشد الغنوشی در صحنه انقلاب حضور داشتند. راشد الغنوشی رهبر حزب النهضة، در ۲۲ دسامبر با انتشار بیانیه‌ای مبنی بر سیاست‌های نادرست بن علی، وی را عامل اوضاع نابسامان تونس دانسته و حمایت خود را از معترضین اعلام داشت. با گسترش دامنه اعتراضات، ارتش نیز به فرماندهی «رشید عمار» به عنوان یک نهاد قوی در کنار انقلابیون قرار گرفت (Barany, 2011). به طوری که، همکاری النهضة با ارتش در دوره هدایت بحران به سمت ثبات و آرامش کمک فراوانی به مدیریت بهتر دوره انتقالی و برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان کرد (gause: 2011). در نهایت، این امر به پیروزی چهل درصدی حزب «النهضة» انجامید.

۱-۳. سازماندهی در جنبش انقلابی تونس

همانطور که بیان شد، جنبش‌های اعتراضی در جهان عرب از جمله کشور تونس بدون رهبری کاریزماتیک و مشخص بود، و از سویی دیگر، با توجه به این‌که تونس آغازگر موج این شورش‌ها بود، می‌توان گفت که اعتراضات این کشور در مقایسه با سایر کشورها خودجوش و کمتر سازماندهی شده بود (Lynch:2011). در جنبش انقلابی تونس، اکثریت مردم نقش آفرینی گسترده‌ای در تداوم انقلاب داشتند. در ۲۶ آذر ۱۳۸۹، محمد بوعزیزی جوان تونسی که علی‌رغم تحصیلات دانشگاهی‌اش مجبور شده بود، برای امرار و معاش اقدام به دست‌فروشی کند. پس از اینکه مقام‌های محلی در شهر سیدی بوزید به شکایت وی در مورد جلوگیری از دست‌فروشی وی رسیدگی نکردند، اقدام به خودسوزی کرد و در مقابل همه جان سپرد. این رخداد تلخ همچون جرقه‌ای بود در انبار باروت که خشم و نارضایتی مردم این کشور از سیاست‌های دولت بن علی را برافروخت. پس از این، اعتراض‌ها به وضعیت بد اقتصادی و فساد گسترده شهرهای تونس را یکی پس از دیگری درنوردید. با گسترش ابعاد تظاهرات خواسته‌های اقتصادی، رنگ و بوی سیاسی نیز پیدا کرد (التایب، ۲۰۱۱: ۹۸). در فرآیند این انقلاب، کاربران اینترنت توسط

برخی از رسانه های اطلاع رسانی نظیر؛ فیسبوک، توئیتر دارای نقش پررنگی در تجمع مردم در میداین اصلی شهر و بیتوته کردن آن در خیابان ها و برپایی چادر و ... داشتند (Goodwin, 2011: 24-25). این رسانه ها توسط هسته ای از کاربران اینترنت و جوانان تونس به رهبری و سازماندهی انقلابیون می پرداختند که به عنوان منبع اصلی اخبار، اعتراضات و تظاهرات و نیز سازماندهی کنشگران سایبری به عنوان برانگیختگان انقلابی تبدیل شده بود (Joyce, 2011: 4). نقش جوانان در شکل دهی و سازماندهی اعتراضات در تونس حاکی از این موضوع است که برخورداری آنها از تحصیلات و نگرش مثبت به نیاز جامعه به تغییر در چارچوب مشارکت سیاسی دموکراتیک و طرد فرهنگ سیاسی حاکم در اقتدارگرایی بن علی مشهود بود. آنها به دلیل مشارکت در فضای واقعی و مجازی، بیشترین مشارکت را در تعیین اهداف و روش های اعتراضات خود و انعکاس خواسته هایشان در شعارها و برنامه های این تحرکات داشتند (الحناشی، ۲۰۱۱: ۱۶۳). حقوقدانان، معلمان، دانشجویان و کارگران در این کشور مخصوصاً در سال های اخیر اعتراض ها و اعتصاب های زیادی را توانستند سازماندهی کنند (Goldstone, 2011: 106). رهبران و شخصیت های اسلامی نظیر راشد الغنوشی به یاری این گروه ها شتافته و انقلاب را به ثمر رساندند. در پی گسترش اعتراضات و راهپیمایی انقلابیون، گروه اسلامی "النهضه" با انتشار بیانیه ای مبنی بر مقصر دانستن رژیم در حوادث اخیر و عدم کفایتش در امور کشور، به سازماندهی هواداران انقلابی خود پرداختند. احزاب اسلامگرا نه در روند ظهور ناگهانی انقلاب بلکه در سازماندهی نیروها و تکوین آن در بلند مدت در سایه مبارزات و مخالفت ها نقش تاریخی داشته اند. در سال ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ به علت افزایش گرانی نان و بعضی کالاها اساسی یک جنبش جدید به وجود آمد و تظاهراتی بسیار گسترده در پایتخت و اغلب شهرها به وجود آمد. اتحادیه کار و اسلامگرایان این تظاهرات را سازماندهی می کردند. این حرکت عظیم و مردمی دولت بورقوبه را تحت تأثیر قرار داد، و مشروعیت دولت تضعیف گردید. دولت هرچند این تظاهرات را با زور سرکوب کرد. اما کشور تونس در این دوره شاهد گسترش فعالیت های احزاب مخالف و گروه های زیرزمینی بود که بر علیه سیاست دولت مخالفت می کردند (الحناشی ۲۰۱۱: ۱۶۶). این مخالفت ها و تظاهرات که در بعضی شهرها انجام می گرفت توانست بین گروه حاکم در تونس اختلافات و شکاف های سیاسی ایجاد کند که در نهایت به کودتای سفید بن علی بر علیه بورقوبه در سال ۱۹۸۷، انجامید (Blumi, 2011: 165). از ابزارهایی که این جنبش

برای محقق کردن برنامه‌های سیاسی خود بر آن تکیه کرد، بازسازی کارکردهای مسجد به عنوان مرکزی برای عبادت و بسیج گسترده مردمی بود (عوض پور و اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۴۰). جریان النهضه و هواداران آن در پروسه انقلاب تونس، از طریق مساجد و مراکز دینی تحت عناوین گوناگون به فعالیت مشغول بودند (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۴۳-۴۲). بنابراین وجود مساجد و تجمع مردم در آن توسط گروه‌های اسلام‌گرای سیاسی تونس، به عنوان فضای کارآمد باعث شد تا اسلام سیاسی از دل مساجد بیرون آمده و مفاهیم مذهبی مانند شهادت و جهاد نقش اساسی در گسترش روحیه انقلابی و پیروزی آن دخیل باشند (Fisher, 2011: 101-103). از سویی دیگر نیز این حزب با اتخاذ مشی دموکراتیک و اسلامی، توانست نگرانی بسیاری از عوامل داخلی و خارجی درباره احتمال یکه‌تازی خود پس از پیروزی در انتخابات را مرتفع سازد و این فرآیند از طریق ایجاد ائتلافی گسترده بین این حزب و جریان‌های سیاسی دیگر نظیر؛ ملی‌گرا و لیبرال صورت گرفت که از جمله اصول آن تأکید به پایبندی به اصولی حداقلی که مورد توافق تمامی این احزاب و نیروها بود (الراشد، ۲۰۱۱).

۱) انقلاب ایران

۱-۲. ایدئولوژی انقلاب ایران

جریان‌های فکری دوران انقلاب ناسیونالیسم، سوسیالیسم، لیبرالیسم و جریان اسلام‌گرایی می‌باشند. علل افول ایدئولوژی‌های رقیب اسلام‌گرایی به جز عملکردهای ضعیف و داشتن منشأ خارجی، محصور ماندنشان در فضای نخبه‌گرایانه بود. از عوامل موفقیت نسبی جریان لیبرالیسم در شهرهای بزرگ می‌توان به توجه به پیشرفت تکنولوژیک، حکومت دموکراتیک و سکولاریسم اشاره کرد. (مکرم دوست، ۱۳۸۹: ۶۵). جریان سوسیالیسم و به خصوص مارکسیسم که بر مبنای شعار محوری عدالت بوده و مذهب را به عنوان عامل افیونی توده‌ها معرفی کرده بود، از عوامل کاهش جاذبه این ایدئولوژی عملکرد منفی نظام شوروی، رویگردانی شوروی از ایده جهان وطنی و بازتاب این امر در ایران به صورت عملکرد منفی نقش آفرینی برخی گروه‌های چپ‌گرا بوده است (حاضری «ب»، ۱۳۷۷؛ ۱۴۸-۱۴۶). در نهایت شاخص جریان ناسیونالیسم مبارزه با بیگانگان بوده است. و از عوامل کاهش جاذبه این جریان نداشتن تئوری لازم برای مدیریت جامعه و شکست جریان ملی شدن صنعت نفت می‌باشد (سیاوشی، ۱۳۸۷: ۱۷۲-۱۶۹). این

خط سیر زمانی به انقلاب منتهی شد امام خمینی (ره) در این عرصه ایفای نقش کرد و در دفاع از این ایده می‌توان شجاعت امام در حمله به شاه، استعمار ستیزی، ستیز با اسرائیل، روشن نگری را مثال زد. بر این اساس ایدئولوژی انقلاب، ناظر بر اسلام و فرهنگ تشیع گردید و این ایدئولوژی ضمن توجه به آزادی و عدالت آنها را در مسیر تحقق عرفان و معنویت قرار داد. محورهای ایدئولوژیک انقلابی امام بر پایه؛ ۱- مردمی کردن مبارزه سیاسی برای صف آرایی توده مردم، ۲- انتقاد از وضع موجود، ۳- ارائه الگوهای بدیل مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، ۴- طرح کلی جامعه مطلوب بر پایه اصول اسلامی می‌باشد (محللاتی، ۱۳۷۷: ۱۸۶-۱۸۵). مشخصات این ایدئولوژی نیز در توجه به آزادی، عدالت، استقلال، عقل‌گرایی و معنویت‌گرایی تجلی یافت (تبیان، ۱۳۷۹: ۱۷۱). از جمله شرایط محیطی که به وجود آمدن این گفتمان کمک کرد عبارتند از؛

الف) اتحاد طبقات به وجود آورنده پایگاه علما اعم از تجار، خرده بورژواها، زمینداران و

...

ب) ایدئولوژی حکومت که بر اساس آن پادشاهی و فرهنگ ایران پیش از اسلام پاس داشته می‌شد.

ج) آفت ایدئولوژی‌های متناقض جبهه مخالفان رژیم مانند؛ لیبرالیسم، سوسیالیسم، ناسیونالیسم (معدل، ۱۳۸۲؛ ۲۱۲-۲۰۶).

۲-۲. رهبری انقلاب ایران

یکی از مباحث مهم انقلاب ایران حصول اتفاق نظر و اجماع همگانی خیلی سریع پیرامون بحث رهبری است، به زعم زمینه‌های فراوانی که برای تشدید اختلافات و رقابت بر سر آن وجود داشت (فوکو، ۱۳۷۹: ۵۶-۵۵). مردم و جناح‌های مدعی در جبهه مخالفان رژیم خیلی زود در قبول هنر مدنی امام به نتیجه رسیدند و بدون پرداخت هزینه‌های فراوان اختلاف صفوف خود را در برابر شاه متحد و یکپارچه ساختند، بدون آنکه در اصل وجود این اجماع کوچک‌ترین تردیدی شده باشد، البته در بین علل و عوامل آن آرای صاحب نظران متعدد و متفاوت است و دیگران را نیز مستعد رهبری می‌دانستند. (تاجیک، ۱۳۷۸: ۲۷-۳۰). رهبری امام خمینی به حدی از مشروعیت برخوردار بود که حتی جریان‌های غیر مذهبی از او به عنوان رهبر انقلاب

یاد می‌کردند. مقام مرجعیت، سیادت و شیخیت برای ایشان مشروعیت سنتی را به دنبال داشت. گذشته از مشروعیت سنتی و کاریزماتیک، ایشان فردی بود که مردم او را هم در زمان مبارزه با شاه و هم پس از پیروزی انقلاب به عنوان رهبری قانونی پذیرفته بودند. بی‌تردید رهبری و ساختارهای سنتی دینی در کانالیزه کردن کنش‌های سیاسی مردم علیه وضع موجود نقش محوری داشت (مکرم دوست، ۱۳۸۹: ۶۶). با این حال، گفتمان انقلاب اسلامی، ترکیبی از گفتمان نواندیشی دینی توسط عالمان و فقیهانی چون امام خمینی و شاگردان برجسته‌اش همچون مطهری و شهید بهشتی از و گفتمان روشنفکران دینی همچون مرحوم شریعتی بود. که طی دو دهه توانستند در فضای گفتمانی ایران هژمون شوند که پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ نمود بارز این هژمونی است.

۲-۳. سازماندهی در انقلاب ایران

با وجود ائتلاف‌های گسترده طبقاتی که بین طبقه متوسط سنتی (روحانیون و بازاریان)، طبقه متوسط جدید (روشنفکران و دانشجویان) و کارگران و طبقات پائین شهری رخ داده بود (فوران، ۱۳۷۷: ۵۶۶) و همچنین ضعف جریان‌های سیاسی سوسیالیستی، لیبرالیستی و ناسیونالیستی، گفتمان اسلامگرایی انقلاب اسلامی تمام جریان‌های سیاسی مذکور و طبقات را زیر چتر خود جمع کند (حاضری «الف»، ۱۳۸۰: ۳۴-۲۷). بسیاری از تحلیلگران انقلاب اسلامی، مکتب تشیع و ساختارهای نمادین و آیین‌گرایی مذهب تشیع را عامل اصلی در بسیج سیاسی اجتماعی ملت ایران و ایجاد انگیزه و توان مبارزه و ظلم‌ستیزی می‌دانند. طبقه متوسط سنتی شامل روحانیون، طلاب و بازاریان بودند؛ روحانیون به دلیل برنامه‌های ضد دینی شاه و محدود نمودن روحانیون، از رژیم ناراضی بودند و با دارا بودن منابع متعدد مالی و شبکه‌های ارتباطی گسترده، پخش اعلامیه، و اطلاع‌رسانی از طریق سخنرانی‌ها، مراسم مذهبی، عزاداری و مساجد نقش محوری و رهبری را در انقلاب برعهده گرفتند و دست به بسیج توده‌ها زدند. حتی عده کمی از روحانیت چون محمد منتظری و اندرزگو به مبارزه مسلحانه روی آوردند (نقیب زاده، و امانی، ۱۳۸۲: ۱۶۴-۱۶۳). بازاریان نیز به دلیل سیاست‌های مبارزاتی با گران‌فروشی شاه و در پیوند با روحانیت از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان منبع مالی برای چالشگران عرصه انقلابی بودند (سمتی، ۱۳۷۷: ۱۵۶). از میان طبقه متوسط مدرن که روشنفکران و بالاخص روشنفکران مذهبی و

دانشجویان و متخصصان بودند؛ جریان روشنفکران مذهبی توانست از سال ۱۳۴۲ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی با موضع‌گیری در نقش منتقد از طریق مطبوعات و سخنرانی‌ها و احزاب مذهبی و اتحادیه‌ها نقش مهمی در بسیج سیاسی مردم ایفا کرده و در بین مردم پر طرفدار شد و با خلق اندیشه نو و تحریکات سیاسی توانست قدرت را به دست بگیرد و به عنوان موتور محرک انقلاب عمل نماید (ملکی راد، ۱۳۸۷: ۵۱-۴۸). افکار و نگرش‌های علی شریعتی به عنوان سردمدار جریان روشنفکری دهه ۴۰، توانست نسلی از دانشجویان معترض و روشنفکران را که اغلب از تحصیل‌کردگان دانشگاه‌های غیر مذهبی بودند و همچنین متخصصان طبقه متوسط شامل مهندسين و کارمندان اداری و... را تحریک کرده و به جرگه روحانیون و بازاریها پیوند زند (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۵۸). شاعران و نویسندگان هم با استفاده از حربه شعر و ادب اعتراضات خود را ابراز نمودند و به برگزاری شب‌های شعر در انجمن‌گفته که تحت سرپرستی سفارت آلمان در تهران بود، مبادرت ورزیدند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۲: ۱۸۳-۱۸۱). از مهم‌ترین اقشار تأثیرگذار در پیروزی انقلاب اسلامی نظامیان و ارتشی‌ها بودند که یاری بی‌بدیلی به انقلابیون کردند. آنها با فرار از پادگان، ابراز همدردی با مردم و پیوستن به آنها و در مواردی هم با قتل فرماندهان خود به نشانه‌ی اعتراض وارد جمع انقلابیون شدند و آخرین امیدهای رژیم را به باد دادند (قرزل ایاق، ۱۳۹۶: ۸۵). عموم مردم نیز با راهپیمایی عظیم و با توسل به اعتصاب‌های بلند مدت، سر دادن شعارهای اعتراض‌آمیز و الله‌اکبرهای شبانه، تحصن و تخریب اعتراضات خود را بیان می‌کردند. در بسیج توده مردمی انقلاب ۱۳۵۷ ایران، رسانه‌هایی نظیر؛ نوار کاست، منبر، اطلاعیه‌ها با محتوای سیاسی- مذهبی، مطبوعات و سخنرانی‌ها و... و سازمان‌هایی مذهبی مانند مساجد و حسینیه‌ها نقش مهمی ایفا نمودند (رهنما، ۱۳۹۴: ۲۱۶).

موارد	ایدئولوژی انقلابی	رهبری	سازماندهی
تونس	نیروهای چپ و کمونیسم، نیروهای ملی و سکولار، اسلامگراها شامل: سلفی‌ها، شیعیان، اسلامگرایان لیبرال، حزب النهضه	رهبری جمعی شامل: کارگران تونس، راشد الغنوشیرئیس حزب النهضه، گروههای سیاسی حریا و انصاف.	جوانان تونس بوساطه فضای مجازی، اعتصاب حقوقدانها، معلمان، دانشجویان، کارگران و سازماندهی و انتشار بیانیه توسط حزب النهضه، سازماندهی ایدئولوژیک گروه‌ها و ترویج مفاهیم شهادت طلبی و ایثار و انقلاب، فعالیت از طریق اماکن مذهبی، ائتلاف با سایر نیروها و جریان‌های سیاسی.

ایران	ناسیونالیسم، سوسیالیسم، لیبرالیسم و جریان اسلام‌گرایی	امام خمینی (ره) در هر سه نقش ایدئولوگ، بسیج‌گر و معمار انقلاب شریعتی به عنوان روشنفکر دینی در نقش ایدئولوگ	وجود اتلاف‌های گسترده طبقاتی بین طبقه متوسط سنتی (روحانیون و بازاریان)، طبقه متوسط جدید (روشنفکران و دانشجویان) و کارگران و طبقات پائین شهری، بازاریان و روحانیون با دارا بودن منابع متعدد مالی و شبکه‌های ارتباطی گسترده، پخش اعلامیه، و اطلاع‌رسانی از طریق سخنرانیها، مراسم مذهبی، عزاداری، روشنفکران با موضع‌گیری در نقش منتقد و بسیج‌ساز مردم و شاعران با انجمن‌های شعر پیوستن نظامیان و ارتشی‌ها به مردم
-------	---	--	---

نتیجه‌گیری

وقوع انقلاب‌ها به عنوان یک پدیده اجتماعی - سیاسی از همبستگی عوامل متعدد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و روانشناختی تأثیر می‌پذیرند که بسته به نوع جوامع متفاوت است، اما امروزه جنبش‌هایی در حال پیدایش و گسترش است که در حال تغییر مسیر از علل ساختاری به سمت علل فرآیند محور در تحلیل انقلاب‌ها هستند که این امر با تعمیق بخشیدن به جنبه‌های فرهنگی تأملات نظریه‌پردازان انقلاب می‌باشد. لذا حضور عنصر فرهنگ و دین در چرایی و چگونگی انقلاب‌ها همواره تعیین‌کننده نوع جهان‌بینی و نگاه ملت‌ها به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. نوع جهان‌بینی در وقوع انقلاب اسلامی ایران نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی بوده است که در اثر اشاعه نفوذ معنوی انقلاب ایران در تحولات رخ داده در سال ۲۰۱۱ در کشورهای عربی بر کنش فعالانی نظیر گروه‌های اسلام‌گرا در تونس به رهبری راشد الغنوشی، منجر به تأسیس جنبش جدیدی با عنوان جنبش النهضه شد. در این پژوهش برای بررسی نقش کنشگران اسلامی در وقوع انقلاب‌ها دستگاه مفهومی در قالب سه منبع ایدئولوژی بسیج، رهبری و سازماندهی در نظر گرفته شد. جریان‌ها و سازمان‌های فکری که در پی پاسخگویی به تحولات رخ داده در دو کشور ایران و تونس بودند، در سه دسته لیبرال ناسیونالیسم، غربگرا و سکولار و طیف اسلام‌گراها قرار گرفته بودند که نیروهای غربگرا و سکولار به علت رویکرد نفی دین در کشورهایی با خاستگاه و بستر مذهبی موفق نبودند، از عوامل موفقیت نسبی ناسیونالیسمت‌ها اتخاذ مشی مبارزه با بیگانگان و همچنین پیشرفت‌های تکنولوژیکی و مدرنیته بوده است که

نسبت به اسلامگراها نقش چندان پررنگی نداشتند. حضور پررنگ اسلامگراها در انقلاب ایران و حزب النهضه تونس در سال ۲۰۱۱ بیانگر تمایلات و مطالبات اسلامگرایی مردم منطقه، تأکید بر حفظ تعلقات و ارزشهای دینی این کشور است که خود به عنوان حائل بین خود و دیگری (غرب) می‌باشد. در انقلاب اسلامی ایران اسلامگراها با اتخاذ مشی ایدئولوژیک اسلامی توانستند رهبری و سازماندهی بسیج را برعهده بگیرند و با زیر بیرق آوردن سایر معترضین انقلابی به اریکه قدرت صعود کنند. اما در جنبش انقلابی تونس رهبری کاریزماتیک وجود نداشت و رهبری جمعی جای آن را تصاحب کرده بود. اسلامگراها، در امر سازماندهی انقلابیون، در کنار سایر گروه‌ها حضور و وزنه‌ای نسبتاً سنگین را در وقوع فرآیند جنبش انقلابی به خود اختصاص داده بودند. جریان النهضه و هواداران آن در پروسه انقلاب تونس، از طریق مساجد و مراکز دینی تحت عنوان گوناگون به فعالیت مشغول بودند. از سویی دیگر نیز این حزب پیش از انتخابات، از طریق ایجاد ائتلافی فراگیر شامل نیروهای اسلام‌گرا و ملی‌گرا و لیبرال و تأکید به پایداری به اصولی حداقلی که مورد توافق تمامی این احزاب و نیروها بود، توانست نگرانی بسیاری از بازیگران داخلی و خارجی درباره احتمال یک‌تازی پس از پیروزی در انتخابات را از بین برد و افزون بر این، با مشی عمل‌گرا، دموکراتیک و اسلامی خود نیز این نگرانی را مرتفع سازد. بنابراین، هرچند تحولات انقلابی در کشورهای عربی از جمله تونس رویکرد دموکراتیک داشته و مطالبات اقتصادی و معیشتی نیز از جمله خواسته‌های مردم بوده است. اما با این اوصاف جریان اسلامگرا با توجه به تغییرات مدرن جوامع و تحولات توسعه‌ای در عرصه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی مردم با احراز رویه دموکراتیک و بردبارانه خواستار تلفیق سیاست‌های اسلامی با اصول دموکراتیک بودند که زمینه‌های افراطی‌گرایانه که در خاورمیانه موج می‌زد، را از بین برده و چهره جدیدی از اسلام را در اذهان مردم زنده کنند و در نهایت، جامعه اسلامی را با یک دولت دموکراتیک اسلامی پیوند دهند. البته این اتفاق در انقلاب اسلامی با بازاندیشی‌هایی توسط روشنفکران دینی و علما صورت گرفت ولی در واقع نقش اسلامگراها و اسلام در انقلاب ایران همانگونه که بیان شد به عنوان عنصری مهم بوده که این عامل در کنش اسلامگرایان عربی به نسبت کم‌رنگ بوده است؛ از علل این موضوع می‌توان به تحت‌الحمايگی و به بیانی دیگر مستعمره بودن این کشور توسط دولت‌های اروپایی و اتخاذ سیاست‌های سکولاریستی در چارچوب اقتدارگرایی دولت‌های این کشور اشاره کرد و در نهایت شتاب و دامنه دگرگونی‌های ناشی از دنیای مدرن و

جهانی شدن، گسترش فرهنگ آزادی خواهی و مشارکت سیاسی و از سوی دیگر سرکوب شدید اسلامگراها توسط حکومت بورقپیه و قلع و قمع مخالفان خود از جمله اسلامگراها را خاطر نشان کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. ابراهیم کیانی، هادی (۱۳۹۳)، «نسبت انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تونس و مصر)»، تهران: نشر بین المللی الهدی.
۲. ابراهیم نیا، حسین (۱۳۹۱)، «بررسی تاثیر روی کارآمدن جریان‌های اسلام‌گرای تونس بر موقعیت بنیادگرایی اسلامی»، مطالعات خاورمیانه، شماره ۷۱، صص: ۱۷۰-۱۴۵.
۳. اسپوزیتو، جان (۱۳۸۸)، «انقلاب ایران و بازتاب جهانیان»، ترجمه محسن میرشانه چی، تهران: انتشارات باز.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی در نظر و عمل»، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵. بشلر، ژان (۱۳۷۰)، «ایدئولوژی چیست»، ترجمه؛ علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. بشیریه، حسین (۱۳۷۲)، «انقلاب و بسیج سیاسی»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
۷. پناهی، محمد حسین (۱۳۹۱)، «نظریه‌های انقلاب؛ وقوع، فرآیند و پیامدها»، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
۸. پورسعید، فرزاد (۱۳۹۰)، «بررسی مقایسه‌ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر»، مطالعات راهبردی، شماره ۵۲، صص: ۱۹۸-۱۵۹.
۹. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸)، «میشل فوکو و تاریخ اسلامی»، تهران: نشر بقعه.
۱۰. تیان، دفتر سی و ششم (۱۳۷۹)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).
۱۱. تقی پور، ابوالفضل و روستایی، صغرا (۱۳۸۹)، «رویارویی نظام حکومتی و احزاب سیاسی در تونس»، تهران: نشر موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
۱۲. تلاشان، حسن و نصر دهریزی، الماس (۱۳۹۳)، «تاثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۴، شماره چهارم، صص: ۷۶۲-۷۴۳.
۱۳. جهانگیر، کیامرث و ملکی، حسن (۱۳۹۴)، «بیداری اسلامی؛ ریشه‌ها و زمینه‌ها»،

- فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۲، صص: ۴۶-۲۵.
۱۴. حاضری، علی محمد «الف» (۱۳۸۰)، «انقلاب و اندیشه»، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۵. حاضری، علی محمد «ب» (۱۳۷۷)، «فرآیند بالندگی ایدئولوژی انقلاب اسلامی»، مجله متین، شماره ۱، صص: ۱۵۷-۱۰۷.
۱۶. خرمشاد، محمدباقر و کیانی، نیما (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی - ایرانی الهام بخش موج سوم بیداری»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، صص: ۵۰-۲۸.
۱۷. خسرو شاهی، سید هادی (۱۳۹۲)، «بیداری اسلامی در تونس و راشد الغنوشی»، قم: نشر بوستان کتاب.
۱۸. خمینی، روح الله (۱۳۲۷)، «کشف الاسرار».
۱۹. دان، جان. ام (۱۳۸۴)، «عصر روشنگری»، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: نشر ققنوس، چاپ سوم.
۲۰. دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷)، «جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب»، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
۲۱. دلاپورتا، دوناتلا و دینانی، ماریو (۱۳۹۰)، «مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی»، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
۲۲. دیدار، پوریا (۱۳۹۰)، «اخوان المسلمین فعالتر خواهد شد»، مصاحبه با محمود واعظی، ماهنامه گزارش، اردیبهشت، شماره ۲۲۶.
۲۳. راش، مایکل (۱۳۹۰)، «جامعه و سیاست»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
۲۴. رهنما، مهدیه (۱۳۹۴)، «مطالعه مقایسه‌ای ابزارها و شیوه‌های بسیج و اعتراض در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب روسیه»، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۲۵. سمتی، هادی (۱۳۷۷)، «نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی؛ مجموعه مقالات (رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی)»، تهران: معاونت امور اساتید.

۲۶. سیاوشی، سوسن (۱۳۸۷)، «لیبرال ناسیونالیسم در ایران»، ترجمه علی محمد قدسی، تهران: نشر باز، چاپ دوم.
۲۷. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۳)، «دین در وضعیت انقلابی (بررسی تطبیقی انقلاب فرانسه و ایران)»، فصلنامه انجمن جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، صص: ۶۶-۲۸.
۲۸. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۹۴)، «دین در زمینه و زمانه مدرن»، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
۲۹. عظیمی، امیر (۱۳۹۶)، «انقلاب در کشورهای عربی»، تهران: انتشارات پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۳۰. العنانی، خلیل (۱۳۹۰)، «جریان‌های اسلامی در عصر انقلاب‌های عربی»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۴۸، صص: ۱۵۴-۱۴۵.
۳۱. عوض پور، مهدی و اسماعیلی، مصطفی (۱۳۹۳)، «اسلام سیاسی در تونس: از مشت آهنین بن علی تا انقلاب یاسمین»، تهران: نشر دانشگاه امام صادق.
۳۲. فوران، جان (۱۳۷۷)، «مقاومت شکننده تاریخ تحولات ایران از صفویه تا یالهای پس از انقلاب اسلامی»، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۳۳. فوزی، یحیی (۱۳۹۴)، «جنش‌های اسلام‌گرای معاصر؛ بررسی منطقه‌ای»، تهران: انتشارات پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
۳۴. فوکو، میشل (۱۳۷۹)، «ایران، روح جهان بی روح»، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.
۳۵. قالیباف، محمد باقر و پور موسوی، سید محمد (۱۳۹۱)، «نقش هویت و بیداری اسلامی در شکل‌گیری تحولات اخیر در خاورمیانه»، مطالعات بیداری اسلامی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۲۱-۱۴۲.
۳۶. قزل ایاق، ایمان (۱۳۹۶)، «فعالیت‌های انقلابی بازاریان طی ماههای دی و بهمن ۱۳۵۷»، فصلنامه تاریخ انقلاب، سال اول، شماره ۱، صص: ۱۱۳-۸۵.
۳۷. کینگ، مری و گاندی، مهاتا و مارتین لوتر (۱۳۸۵)، «قدرت مبارزه‌گری از خشونت»، مترجم شهرام نقش تبریزی، تهران: نشر نی.

۳۸. گرین، توماس. اچ (۱۳۸۷)، «جنبش انقلابی معاصر»، ترجمه رشید شایگان‌پور، اهواز: نشر ریش.
۳۹. مجیدی، حسن و رحیمی نیا، محسن (۱۳۹۴)، «بررسی فرآیند گذار به دموکراسی در تونس»، فصلنامه مطالعات جهان سیاسی، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص: ۱۴۲-۱۲۱.
۴۰. محلاتی، محمد (۱۳۷۷)، «امام خمینی معیبه حکومت اسلامی»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و احیاء تفکر دینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر.
۴۱. محمدی، منوچهر (۱۳۷۸)، «انقلاب اسلامی در میان انقلاب‌های بزرگ جهان»، دو فصلنامه فلسفه و کلام، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۳۴-۴۹.
۴۲. مرکز الاستشارات والبحوث (۱۳۸۸)، «رویارویی نظام حکومتی و احزاب سیاسی در تونس»، ترجمه ابوالفضل تقی‌پور و صغری روستایی، تهران، انتشارات اندیشه سازان نور.
۴۳. معدل، منصور (۱۳۸۲)، «طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران»، مترجم محمدسالار کسرای، تهران: انتشارات باز، چاپ اول.
۴۴. معموری، طاهره (۱۳۷۸)، «دانشگاه زیتونیه»، ترجمه زهرا خسروی، تهران: نشر امیر کبیر، چاپ اول.
۴۵. مکرّم دوست، امیر نورانی (۱۳۸۹)، «تعامل ساختار و کارگزار در تبیین انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۴۵-۶۸.
۴۶. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی نظریه‌های انقلاب»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۱، صص ۳۴۹-۳۳۳.
۴۷. نقیب‌زاده، احمد و امانی، وحید (۱۳۸۲)، «نقش روحانیت شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۴۸. الوانی، سید مهدی و معمارزاده، محمدرضا و البرزی، محمود و کاظمی، حسین (۱۳۹۲)، «ارائه مدل رهبری معنوی در نظام اداری ایران»، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۵، شماره ۱۳، صص: ۴۰.

۴۹. الیاده، میرچا (۱۳۷۴)، «فرهنگ و دین»، هیات مترجمان "زیر نظر بها الدین خرمشاهی"، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

۵۰. مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۰)، «میزگرد ماهیت‌شناسی جنبش‌های جدید خاورمیانه»، در: <http://www.alimorshedizad.blogfa.com/post-124.aspx>

۵۱. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۲)، «انقلاب ایران به روایت رادیو بیبی‌سی»، تهران: طرح نو.

۵۲. منابع عربی

۵۳. بشاره، عزمی، (۲۰۱۱)، «زمن الثورات وسرعة الضوء وتونس العرب».

۵۴. التایب، عائشه (۲۰۱۱)، «الخلفیات الاقتصادية والاجتماعية للثورة التونسية»، دوحه، نشر المركز العربي .

۵۵. تراب الزمزمی، عبدالمجید (۱۹۸۹)، «تونس»، بیروت، داراوضه.

۵۶. الحناشی، عبداللطیف، (۲۰۱۱)، «الاحزاب والمنظمات الوطنية التونسية»، دوحه، نشر المركز العرب.

۵۷. عبد الرحمان الراشد (۲۰۱۱)، «تونس... هل تصبح تركيا»، اشرف لاوسط، العدد ۲۲. ۱۲.

۵۸. عبداللطیف، کمال (۲۰۱۱)، «الحدث التونسي، اسئلة الاصلاح السياسي»، دوحه، نشر المركز العربي.

۵۹. مركز الجزيرة للدراسات (۲۰۱۱)، «تونس؛ من اطاحه الرئيس الى المرحله الانتقاليه»، موقع الجزيرة.

منابع انگلیسی

1. Alexander, christofer (2010), Tunisia: stability and Reform in the Modern Maghreb, London and NewYork, Routledge.
2. Barany, Zoltan (2011), "Comparative the Arab Revolt: the Role of the Military, Journal of Democracy, vol.22, No.4; 28-39.
3. Bayat, Asef (2011), "The Post -Islamist Revolutions, What the Revolats in Arab World Mean", <http://www.foreignaffairs.com/articls/67812/asef-bayat/the- post->

Islamist- revolutions.

4. Blaydes, Lisa (2011), Elections and Distributive politics in mubarak's Egypt, Cambridge: Cambridge university press.
5. Blumi, Isa (2011), Chaos in Yemon: Societal Cocital Collapse and the New Authoritarianism, London: Routledge.
6. Fisher, Marc (2011), "In Tunesia Act of One Fruit Vendor Unleashes Wave of Revolution through Arab World. The Washington Post, 26 March, in: <http://www.washingtonpost.com/world/in-tunisia-act-of-one-fruit-vendor-spark-wave-revolution-through-arab-world/2011/03/16/AfjfsueB-story.Html>
7. Gause, Greydy (2011), Why Middle East studies missed the Arab spring, Foreign Affairs, Vol.90, No.4, pp: 81-90.
8. Ghiribi, Asam (2014), "The Problem with Tunisias New Constitution" Foreign Policy, January, at: <https://foreignpolicy.com/2014/01/09/the-problem-with-tunisias-new-constitution/>
9. Goldstone, Jack A (2011), "Cross-Class Coalititians and the Making of the Arab Revolt of 2011, Swiss Political Science Review, 17 (4): 457-462.
10. Goodwin, Jeff (2011), "Why We Surprised (Again) by the Arab Spring, Swiss Political Science Review, 17 (4): 452- 456.
11. John, Foran (1997), "Discourses and social forses: the Role of culture and culture studies in understanding revoltions". See Foran 1997c, pp 226-203.
12. Kamrava, Mehran (1990), "Revelution in Iran (the of turmoil)", First published by Routlege, London.
13. lynch, narc(2011), tunisia's new al nahda, foreign policy, June, at: <https://foreign-policy.com/2011/06/29/tunisias-new-al-nahda/>

پیرامون اسلامی

پیشگیارم انسانی و مطالعات فرہنگی
بہار ۱۳۹۱